



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Mismanagement as a State Crime; Emphasis on the Covid-19

Amin Nasr¹  Razieh Ghasemi^{2*}

Received:

29 Jun 2021

Revised:

12 Aug 2021

Accepted:

23 Sep 2021

Available Online:

01 Oct 2021

Abstract

Background and Aim: Government crimes are ostensibly legal norms that clearly violate the fundamental rights of individuals, and the ineffectiveness of the law in preventing their occurrence necessitates the criminalization of such behaviors. Today, recognition of the emerging concept of state crime is an inevitable necessity for the protection of fundamental human rights, including the right to health of citizens; however, restrictions have prevented it from being realized and governments have been exempted from criminal liability for illegal behavior. Behaviors such as widespread violations of citizens' right to health, unfair discrimination in the provision of adequate health care can be interpreted as illegal government health crimes, while citizens' right to health is enshrined in international instruments and domestic law. Emphasis has been placed on governments committed to ensuring the health of citizens. But with the advent of Covid-19, a crisis in the health of citizens has gripped governments, and managing this crisis has posed an unprecedented challenge for governments. Therefore, the leading article seeks to evaluate the actions of the then Iranian government in the crisis in the form of government crimes.

Materials and Methods: The research method in this article is descriptive-analytical, and the method of data collection is library, with reference to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In the present article, the originality of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The findings of the study indicate mismanagement that can be considered as a clear example of government crimes; Behaviors that, although not explicitly criminalized despite their irreparable harm, do not invoke the law to prevent the government from being held criminally liable for committing illegal acts.

Conclusion: Today, the role of governments in protecting the fundamental rights of citizens in the emergence of pervasive crises is obvious and the emergence of Covid-19 can be considered one of the most important crises. But in order to manage this crisis, the implementation of inefficient policies, failure to provide adequate health care, are behaviors that, despite the obvious violation of citizens' right to health, its potential for public harm is not hidden from anyone, so it is an exaggeration. It is not as if we mention the victims of Covid-19 as victims of state crimes.

Keywords:

Government Crime,
Government,
Criminal Liability,
Covid-19.

1 M.A of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Tiran Branch, Islamic Azad University, Tiran, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Law, Tiran Branch, Islamic Azad University, Tiran, Iran.*

(Corresponding Author)

Email: razie2517ghasemi@yahoo.com Phone: +989131279181

Please Cite This Article As: Nasr, A & Ghasemi, M (2021). "Mismanagement as a State Crime; Emphasis on the Covid Pandemic-19". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (3): 70-85.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

بدمدی‌ریتی به مثابه جرم دولتی؛

امکان‌سنجی و چالش‌های پیش‌روی، با تأکید بر پاندمی کووید-۱۹

امین نصر^۱، راضیه قاسمی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تیران، دانشگاه آزاد اسلامی، تیران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد تیران، دانشگاه آزاد اسلامی، تیران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: razie2517ghasemi@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

چکیده

زمینه و هدف: جرایم دولتی، هنجارهایی به‌ظاهر قانونی هستند که آشکارا سبب نقض حقوق بنیادین افراد می‌شود و ناکارآمدی قوانین در پیشگیری از ظهور آن‌ها، وجوب جرم‌انگاری چنین رفتارهایی را ایجاب می‌نماید. امروزه به رسمیت شناختن مفهوم نوظهور جرایم دولتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ حقوق بنیادین بشر، از جمله حق بر سلامت شهروندان است؛ لکن محظوراتی مانع تحقق آن و فارق دانستن دولت‌ها از مسؤولیت کیفری در قبال ارتکاب رفتارهای غیرقانونی شده است. رفتارهایی از جمله نقض گسترده حق بر سلامت شهروندان، اعمال تبعیض ناروا در عرضه خدمات درمانی شایسته را می‌توان از جرایم غیرقانونی سلامت‌ستیز دولتی تعبیر نمود، در حالی که حق سلامت شهروندان در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها متعهد به تأمین سلامت شهروندان شده‌اند. لکن با پیدایش کووید-۱۹، بحرانی در حوزه تأمین سلامت شهروندان، گریبانگیر دولت‌ها شده و مدیریت این بحران چالشی بی‌سابقه برای دولت‌ها رقم زده است. از این‌رو مقاله پیش‌رو درصدد ارزیابی اقدامات دولت وقت ایران در بحران یاد شده، در قالب جرایم دولتی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی، و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در مقاله پیش‌رو، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق مبین بدمدی‌ریتی‌هایی است که می‌تواند مصداق بارز جرایم دولتی قلمداد شود. رفتارهایی که هرچند علی‌رغم ضررهای جبران‌ناپذیر آن صریحاً جرم‌انگاری نشده است، لکن استناد به قانون مانع از مسؤولیت کیفری دولت به دلیل ارتکاب رفتارهای غیرقانونی نیست. **نتیجه‌گیری:** امروزه نقش دولت‌ها در حمایت از حقوق بنیادین شهروندان در ظهور بحران‌های فراگیر آشکار است و ظهور کووید-۱۹ را می‌توان یکی از مهم‌ترین بحران‌ها دانست. اما در راستای مدیریت بحران یاد شده، اعمال سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، قصور در عرضه خدمات درمانی شایسته، رفتارهایی است که علی‌رغم نقض آشکار حق سلامت شهروندان، قابلیت اضرار عمومی آن بر کسی پنهان نیست. از این‌رو گزارف‌گویی نیست که مقتولان کووید-۱۹ را از بزه‌دیدگان جرایم دولتی یاد کنیم.

کلمات کلیدی: جرم دولتی، مسؤولیت کیفری دولت، کووید-۱۹.

مقدمه

۱- بیان موضوع

یکی از خطیرترین تکالیف دولت‌ها، حمایت، تضمین حقوق، تأمین سلامت و آزادی‌های بنیادین آدمی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و سایر قوانین داخلی معرفی و به رسمیت شناخته شده‌اند. لذا مهم‌ترین سازوکارها برای ضمانت این حقوق و آزادی‌ها، استفاده از ابزار کیفری با جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده آن‌ها و مجازات ناقضان این حقوق است. در واقع حقوق کیفری عنصر لازم هرگونه سیاست جامع حقوق بشر را تشکیل می‌دهد؛ لکن در برخی موارد خود دولت‌ها با سوء استفاده از اقتدار، شکننده حقوق بنیادین شهروندان خواهند بود، که در این خصوص تمسک به واپسین تدابیر حمایتی یعنی، حمایت کیفری از شهروندان در برابر دولت‌ها ناگزیر می‌نماید (عبدالهی، ۱۳۹۷: ۳۶). علی‌رغم اینکه مفهوم جرم دارای پیشینه دیرینه در حقوق کیفری و مطالعات جرم‌شناسی است، با این حال مفهومی تحت عنوان جرم دولتی^۱ را باید زاییده چشم اندازهای نوین جرم‌شناسی در سه دهه پسین دانست و تا پیش از آن دولت‌ها بسته به طرز حکومت، مذهب، فرهنگ و اقتضائات اجتماعی و سیاسی و...، نهادهایی مبرا از مسؤولیت و حتی در پاره‌ای از موارد مقدس محسوب می‌شدند (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۸۵). وانگهی تمامی رفتارهای دولت را نباید مشروع پنداشت و محتمل است در حالاتی دولت‌ها، به علت دستیابی به مقاصد خویش، مبادرت به اقدامات نامشروع ورزند و حقوق بنیادین شهروندان را نقض و خسارت‌های جدی نسبت به حیات، سلامت، بهداشت و... آنان پدید آورند یا حتی جنایاتی علیه بشریت، نسل‌کشی و محیط زیست مرتکب شوند (شیری، ۱۳۹۹: ۱۹۴). لذا از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، نخستین جرقه‌ها برای مسؤول دانستن دولت‌ها در قبال رفتارها و تصمیم‌های آن‌ها، توسط طرفداران دیدگاه موسوم به نئولیبرال زده شد.

۲- تبیین مفاهیم

مفهوم جرم دولتی را می‌توان به رفتارهای غیرقانونی دولت‌ها در نقض حقوق شهروندان، تخریب محیط زیست، نابودی میراث فرهنگی، سوء استفاده از اقتدار، توسعه بی‌عدالتی، تبعیض و فساد تلقی کرد. در اهمیت توجه به جرایم دولتی، همین قدر مکفی است که بر اساس شماری از آمارهای عرضه شده در قرن بیستم، بیش از ۶۰ میلیون نفر در سراسر جهان بر اساس اقدامات دولت‌ها از بین رفته‌اند (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۸۵). یکی از مهم‌ترین مصادیق جرایم دولتی را می‌توان جرایم دولتی علیه سلامت عمومی معرفی کرد؛ اقداماتی همچون نقض گسترده حق بر سلامت افراد و شهروندان؛ تولید، انتشار و انتقال عمدی بیماری یا معاونت در آن؛ امتناع یا قصور در عرضه خدمات درمانی شایسته؛ اعمال تبعیض ناروا در توزیع خدمات درمانی؛ انکار آگاهانه بیماری یا قدرت کشندگی و آسیب‌زایی آن با وجود هشدار متخصصان و...، از نمونه‌های آشکار جرایم علیه سلامت عمومی محسوب می‌شوند؛ اعمالی که ممکن است خسارات سختگیر به شهروندان وارد آورد و سبب نقض حقوق اساسی آن‌ها گردد.

با ظهور ویروس کرونا و پاندمی آن در سراسر جهان، آشکارا نقش دولت‌ها در راستای کنترل و مبارزه و تدوین سیاست‌گذاری‌های کلان و درخور و اجرای صحیح آن‌ها در جهت حفظ حق سلامت شهروندان، به عنوان یکی از حقوق بنیادین آن‌ها هویدا شد؛ لکن این مهم در دولت وقت ایران ابتدا با تکذیب اولیه ویروس و قدرت کشندگی و آسیب‌زایی آن با وجود هشدارهای متخصصان، عدم اقدامات مقتضی در مراحل شیوع همه‌گیری کووید-۱۹، سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در مدیریت بحران، عدم تدابیر جامع در رفع محدودیت‌ها، قصور در عرضه خدمات درمانی مقبول و عدم اعمال سیاست‌گذاری‌های مناسب در این حوزه و...، پدیدار گشت. اقدامات یاد شده بی‌پرده مبین سوء مدیریت دولت

^۱ - State Crime

حال امروزه در اغلب نظام‌های حقوقی، تعریف حقوقی از جرم مورد تدقیق اندیشمندان قرار گرفته است. بر این اساس جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد. با این حال در ادبیات جرم‌شناسی، نقض هنجارهای رفتاری و زبان اجتماعی، دو ضابطه‌ای هستند که در پرتو آن جرم تعریف شده است. در ضابطه اول جرم نباید صرفاً نقض قانون، بلکه باید نقض هنجارهای رفتاری باشد، و بر اساس ضابطه دوم، فحواي جرم‌شناسی باید بر اساس نتیجه ماهوی اقدامات روشن شود تا وضعیت حقوقی رفتار. در هر صورت در تعریف جرم در مفهوم جرم دولتی، باید به این مهم توجه شود که تعاریف حقوقی ارائه شده از جرم نمی‌تواند و نباید معیاری برای تبیین جرم دولتی باشد؛ چرا که این تعاریف حاصل نظر و دیدگاه خود دولتمردان است (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۸۷)؛ لذا در این خصوص باید جرم را نه نقض مقررات و قوانین، بلکه رفتارهای به ظاهر قانونی دانست که فارغ از وجود نفع شخصی در آن‌ها، به نحوی از انحاء متضمن آسیب و نقض حقوق بنیادین شهروندان جامعه خواهد شد. جرایم دولتی دارای تنوع و گوناگونی بسیار است، لکن جرایم دولتی زیست محیطی، جرایم دولتی اقتصادی، جرایم دولتی علیه سلامت و نقض حقوق بنیادین نظیر عدالت، آزادی و... را می‌توان از مهم‌ترین مصادیق این جرایم تلقی کرد.

۲-۱- مبانی نظری حاکم بر جرایم دولتی

جرایم دولتی به جهت ویژگی‌هایی از جمله گسترده بودن حوزه ارتکاب، بی‌دفاع بودن قربانیان، پراکندگی و گستردگی بزه‌دیدگان، شدت جرم، مسؤول نبودن مرتکبان و نشانه رفتن حقوق اساسی و بنیادین افراد جوامع، از اهمیت وافر متمتع بوده و نیز به جهت پیامدهای مخربی از جمله افزایش جرایم توده‌ها، افزایش خشونت، توسعه بی‌عدالتی، گسترش فقر و بیکاری، نقض کرامت انسانی و...، وجوب جرم‌انگاری چنین رفتارهایی را جهت حمایت از حقوق بنیادین شهروندان

وقت، در راستای پیشگیری و مقابله با بحران کووید-۱۹ می‌باشد؛ سوءرفتارهای غیرقانونی و زیانباری که ناقض حقوق اساسی شهروندان در حوزه سلامت می‌باشد.

۳- **روش تحقیق:** مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، با مطالعه کتب و مقالات در ارتباط با موضوع، ضمن تبیین مفهوم‌شناسی و مبانی نظری و چالش‌های پیش‌روی جرم‌انگاری جرایم دولتی، به بررسی جلوه‌های بد مدیریتی در پیشگیری و مقابله با همه‌گیری کووید-۱۹ در قالب جرایم دولتی پرداخته خواهد شد.

بحث و نظر

۱- مفهوم‌شناسی و تبیین مبانی نظری و رویکردهای حاکم بر جرایم دولتی

۱-۱- مفهوم‌شناسی جرم دولتی

اندیشمندان حقوق کیفری هر کدام جرم را به نحو گوناگون معرفی کرده‌اند. هر یک از این تعاریف با تمام ژرفکاوای غالباً از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم بوده است. برای نمونه اندیشمندان مکتب عدالت مطلق جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۵) و یا بنا به تعریف پرچمدار مکتب وضعی گاروفالو^۱، جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریمه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود». گاروفالو معتقد است جرایم بر حسب نوع احساساتی که نقض می‌کنند، به دو دسته جرایم طبیعی و جرایم مصنوعی طبقه‌بندی می‌شوند و جرایم طبیعی را آن دسته از جرایمی می‌داند که احساسات اولیه و ذاتی مبتنی بر ترحم و درستکاری مشترک همه گروه‌های اجتماعی را نقض می‌کند و جرایم مصنوعی نیز جرایمی هستند که نقض‌کننده احساسات متغیر افراد جوامع هستند (زراعت، ۱۳۹۱: ۲۵۰). لذا از منظر گاروفالو جرم، مفهومی وسیع‌تر از صرف قوانین کیفری می‌باشد. با این

^۱ - Raffaello Garofalo

که جرایم دولتی تاکنون به واسطه موانع داخلی، در دسترس نبودن آمار جرایم، ماهیت پیچیده این جرایم، عدم دسترسی به مرتکبان، مشکلات پژوهشی و عدم دسترسی به برخی از منابع و... کمتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است و این جرایم می‌تواند در دهه‌های آتی، فرصت‌های مطالعاتی بسیاری را فراهم نماید.

۳-۱- رویکردهای حاکم بر جرایم دولتی

جرایم دولتی ناظر به رفتارهای به ظاهر قانونی دولت‌ها در نقض حقوق شهروندان، توسعه بی‌عدالتی، تبعیض و فساد می‌باشد. ویژگی‌هایی از قبیل ماهیت، گستردگی و بی‌دفاع بودن بزه‌دیدگان، شدت ارتکاب و ناکارآمدی حقوق بشری در ممانعت از وقوع آن، ضرورت جرم‌انگاری این رفتارها را ایجاب می‌نماید. در این خصوص، ایدئولوژی و تفکری که حکومت‌ها خط مشی خود قرار می‌دهند، به‌طور قطع تأثیرات متفاوتی در جرم‌انگاری رفتارهای ظالمانه دولتی خواهد داشت. حکومت‌های گوناگونی در طول تاریخ بشری روی کار آمده و اعمال قدرت نموده‌اند لکن در دنیای کنونی، نظام سیاسی جوامع به‌طور فراگیر، فردگرا یا جمع‌گرا می‌باشد. اندیشه سیاسی فردگرا عموماً در جوامع لیبرال مورد پذیرش واقع شده و اصولی مانند تقدم حقوق فرد بر گروه، برتری آزادی بر امنیت، منفعت شخصی، بازار آزاد و دولت حداقلی را چارچوب تفکر خود قرار داده‌اند و امکان جرم‌انگاری جرایم دولتی در این رویکرد وجود دارد. در مقابل جوامع جمع‌گرا غالباً در کشورهای کمونیستی و جهان سوم یافت می‌شوند و اصولی مانند تقدم حقوق گروه بر فرد، برتری امنیت بر آزادی، منفعت جمعی، بازار اشتراکی و دولت حداکثری را اساس حکومت خود قرار داده‌اند؛ لذا افزایش اختیارات دولت در این رویکرد مشهود است و محدودیت قدرت دولت با مبانی فکری آن‌ها در تعارض است (عبدالهی، ۱۳۹۷: ۱۸۲). حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز با مدل خاصی که برای خود ترسیم نموده و غلبه وصف اسلامیت آن، سوای به‌کار بستن اصولی از

متجلی می‌سازد. وانگهی جرایم دولتی به دلیل ماهیت جرم و گستردگی بزه‌دیدگان، تشدد و وخامت، مقتدر بودن مرتکبان، ناکارآمدی قوانین داخلی در این حوزه، بی‌اهمیت جلوه دادن جرم و پنهان کاری و... از دلایل متعددی است که توجه به جرایم دولتی و نیز جرم‌انگاری این رفتارها در سطح بین‌المللی و به دنبال آن قانونگذاری داخلی و محاکمه و مجازات مرتکبان را امری محال در مسیر اجرای عدالت و احترام به کرامت انسانی نموده است (عبدالهی، ۱۳۹۶: ۸۶). از آن‌جا که جرایم دولتی توسط صاحبان قدرت ارتکاب پیدا می‌کند، تعقیب جرایم دولتی عملاً با مشکلاتی مواجه است (گل‌خندان، ۱۳۹۸: ۱۸۹)؛ دشوار بودن تحت تعقیب قرار دادن مرتکبان، مستور نگه‌داشتن آثار جرم و دلایل و از بین بردن مستندات جرم با توجه اقتدار مرتکبان و... از جمله دشواری‌هایی است که در رسیدگی به جرایم دولتی وجود دارد. همچنین اقدامات غیرقانونی آن‌ها به ندرت به آگاهی افراد جوامع می‌رسد، زیرا چنین اقداماتی مخفی نگه‌داشته می‌شود یا برای حذر از تعقیب مرتکب یا مرتکبان، از طرف سازمان‌های دولتی مخفی کاری انجام می‌شود. به عبارت دیگر چنانچه جرایم دولتی به اطلاع عموم می‌رسد، مطبوعات یا رسانه‌های دولتی و مسؤولین، به تحریف واقعیت پرداخته، هرچند که نهادهای دولتی حداکثر تلاش خود را در جهت پنهان کاری انجام داده، لکن نمایندگان آن‌ها نیز به انکار حقیقت می‌پردازند.

از دیدگاه جرم‌شناختی نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ برخی از جرم‌شناسان، نقش دولت‌ها در ارتکاب یا تسهیل ارتکاب جرم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها تأیید کرده‌اند که جرایم دولتی، امری شایع است و در هر نوع دولتی، اعم از دموکراتیک یا استبدادی، سرمایه‌داری یا کمونیستی، با فراوانی‌های متفاوت واقع می‌شود و دولت‌ها بیش از آن‌که واسطه یا هدف جرم باشند، غالباً آغازگر بسیاری از این جرایم هستند (Barak, 1990, 43). در پایان لازم به توضیح است

مجازات اسلامی، که مبین اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشند، جرم، فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد؛ لذا تا زمانی که رفتارهای غیرقانونی دولت‌ها صراحتاً توسط مراجع صالح جرم‌انگاری نشده باشد، امکان رسیدگی و محاکمه وجود نخواهد داشت.

۲-۲-۲- ابهام در رکن مادی جرایم دولتی

به لحاظ حقوقی برای آن که فعل انسانی جرم به‌شمار آید باید نخست؛ قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصفه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی)؛ (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۳۳). بنابراین برای احراز وقوع جرم، لزوماً عنصر مادی باید تحقق پیدا کند که با ظهور رفتار خارجی مرتکب محقق می‌شود. در این‌باره اختلاف نظرهایی وجود دارد بدین شرح که مخالفان جرم‌انگاری جرایم دولتی، دولت را مفهومی اعتباری تلقی کرده و لذا قابلیت و توانایی ارتکاب افعال مادی را برای دولت متصور نمی‌دانند؛ لکن در مقابل موافقان جرم‌انگاری جرایم دولتی معتقد هستند که اعتبار دولت به تنهایی و فارغ از اعضاء دولتمردان آن، فاقد اعتبار است و در واقع این اعضاء دولت هستند که به دولت اعتبار بخشیده، لکن در صورت تشکیل، کل دولت مورد نظر است و نه تک تک اعضاء آن؛ لذا چنانچه بعد از تشکیل، یک یا چند عضو از آن خارج شوند همچنان دولت پابرجا و دارای اعتبار بوده و در نهایت این اعضاء دولت هستند که مجری نقشه‌ها و طرح‌های دولت برای اعمال غیرقانونی بوده و رکن مادی جرایم را همانند رکن روانی آن متقبل خواهند شد.

شرایط، رابطه سببیت و نتیجه حاصله، سه مؤلفه دیگر اجزای رکن مادی است که برای تکمیل آن ضروری است. در این خصوص توفیر چندانی بین رفتارهای غیرقانونی دولت و سایر جرایمی که برای اشخاص حقیقی جرم‌انگاری شده است وجود ندارد، زیرا آن‌چه مورد نظر است، شرط و نتیجه جرم

فردگرایی در قوانین خود، بیشتر به تفکرات جمع‌گرایی شباهت دارد؛ لکن با توجه به قید اسلامیت و ظرفیت‌هایی که در مکتب اسلام موجود است تا حدودی واجد شرایط و بستری لازم برای جرم‌انگاری جرایم دولتی می‌باشد.

۲- چالش‌های جرم‌انگاری جرایم دولتی

هنجارشکنی و تعرض به حقوق شهروندان جامعه که از آن تحت عنوان جرایم دولتی یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که همواره مورد جدال ملت‌ها و دولت‌ها بوده است؛ رفتارهای غیرقانونی و ناعادلانه‌ای که توسط هیچ مرجع، نهاد یا قانونی در حوزه رفتارهای ممنوعه قرار داده نشده‌اند و ارتکاب آن‌ها مسؤولیتی برای دولت‌ها، به‌ویژه مسؤولیت کیفری به همراه نخواهد داشت. ارتکاب جرایم دولتی سبب کاهش اعتماد عمومی خواهد شد، لذا برخی از محققین حوزه جرایم یقه سفیدها، جرایم دولتی را بسیار بدتر و خطرناک‌تر از سایر جرایم مشابه از جمله جرایم شرکتی می‌دانند (قورچی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). لذا از آن‌جا که سازوکارهای حقوق بشری و داخلی در جهت پیشگیری و مقابله با این جرایم بسیار محدود است، لزوم جرم‌انگاری این رفتارها را ایجاب می‌نماید. لکن چالش‌های قابل تأملی در این گذر وجود دارد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- ابهام در رکن قانونی جرایم دولتی

فارغ از معیارهای تعریف جرم دولتی و اختلاف نظرها و رویکردهای گوناگون به آن، جرم دولتی متضمن آسیب‌های جدی محسوس و نامحسوس به حقوق بنیادین شهروندان می‌باشد و یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در جرایم دولتی، عدم تبیین آن در قوانین موضوعه است، و اطلاق واژه «جرم» در مفهوم جرایم دولتی، صرفاً به واسطه ماهیت منحصر به فرد و فراتر از جرایم معمولی این رفتارها می‌باشد، نه به علت جرم‌انگاری شدن آن‌ها (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۸۸). به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲ قانون

آثار و نتایج نامطلوب پدیده‌ی جزایی یا جرم است و در این راستا مسؤولیت کیفری دولت، مسؤولیتی است برای دولت در معنای عام آن به مثابه یک شخص حقوقی، فارق از مسؤولیت کیفری که برای اشخاص حقیقی در نظر گرفته شده است (عبدالهی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). نقض حقوق بنیادین افراد در جوامع امروزی، آشکارا در سراسر دنیا مشاهده می‌شود. مسؤولیت کیفری دولت‌ها همواره یکی از مسائل مورد مناقشه و قابل تأمل بین حقوقدانان بوده است و در این مورد اختلاف نظرات متعددی وجود دارد؛ لکن مانع و سد بزرگی که پیش‌روی جرم‌انگاری جرایم دولتی و ایجاد مسؤولیت کیفری برای دولت‌ها وجود دارد، همانا اعتقاد برخی از حقوقدانان به عدم امکان ایجاد مسؤولیت کیفری برای شخص حقوقی و به طریق اولی شخص حقوقی عمومی (دولت) می‌باشد.

همان‌طور که بیان شد در خصوص قائل شدن مسؤولیت کیفری برای دولت‌ها دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ در این‌باره مخالفان قائل شدن مسؤولیت کیفری برای دولت‌ها معتقد هستند که اولاً، مسؤولیت کیفری فرع بر وجود قدرت، الزام بالاتری است که بتواند بر مسؤولیت کیفری اعمال مجازات نماید و این مهم در خصوص دولت‌ها عمومیت ندارد. به عبارت دیگر اساساً از آن‌جا که در صحنه بین‌المللی، اقتدار نقش اساسی را ایفا می‌کند، سخن از مسؤولیت کیفری، سخن از اهرم فشار بر دولت‌های ضعیف است تا به راحتی بتوان آن‌ها را مجازات کرد. ثانیاً، پذیرفتن مسؤولیت کیفری برای اجرای عدالت است و آنچه در عدالت دخیل است، اصل شخصی بودن مجازات‌ها است و چنین اصلی در مورد مجازات دولت‌ها رعایت نمی‌شود. ثالثاً، هدف از پذیرش مسؤولیت کیفری، اجرای کیفر است و کیفر نیز به جهت اصلاح و پیشگیری است و از آن‌جا که دولت قابل اصلاح نیست، اجرای کیفر درباره‌ی دولت بی‌فایده می‌باشد. لذا در مقابل، موافقان قائل شدن مسؤولیت کیفری دولت‌ها معتقد هستند که اولاً، هرچند دولت‌ها را به دلیل قدرت بالا به سختی

است و نه مرتکب آن. به عبارتی در رفتار فیزیکی مرتکب بنا به قابلیت انجام فعل یا ترک آن مدنظر است، لکن در سایر اجزاء عنصر مادی، مرتکب و قابلیت آن مفروض است و آنچه که باید به منصفه ظهور برسد و اثبات گردد، رابطه علیت بین رفتار فیزیکی و نتیجه حاصله خواهد بود که بیان گردید در این موضوع تفاوتی میان اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد.

۳-۲- ابهام در رکن معنوی جرایم دولتی

عنصر معنوی همان فعل و انفعالات ذهنی مرتکب است که بر نقض امر یا نهی قانونگذار قرار گرفته است. بنابراین هر فردی که قصد ارتکاب جرمی را داشته باشد، ابتدا قصد و اراده‌ی خود را جهت ارتکاب جرم در ذهن خود می‌پروراند و با اندیشه قبلی و از پیش تعیین شده، زمینه را برای احیاء سایر عناصر پیش‌گفته شده مهیا می‌سازد، که از آن تحت عنوان رکن روانی جرم یاد می‌شود. رکن روانی جرایم دولتی، همان علم و عمد در ارتکاب جرم است. به عنوان مثال یک دولت با سیاست‌های ضد تکررگرایی عامدانه قومی، می‌تواند سیاست یکسان‌سازی قومی را در کشور پیاده کند که در این صورت دولت مرتکب جرم نسل‌زدایی شده است. این مهم نیز در سایر رفتارهای غیرقانونی چنانچه عامدانه صورت گیرد و یا با وجود توانایی دولت، هنجارشکنی و تعرضی به حقوق بنیادین شهروندان جامعه وارد شود، می‌تواند موجب مسؤولیت دولت گردد.

۴-۲- مسؤولیت کیفری دولت

به‌طور کلی وادار شخص به پاسخگویی در برابر تعدی به حقوق دیگران، خواه به علت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان مسؤولیت کیفری مطرح می‌شود. با این وجود، در هیچ‌کدام از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسؤولیت کیفری به‌طور مشخص بیان نشده است. به هر حال، مسؤولیت کیفری نوعی الزام شخص به پاسخگویی

می‌توان در مورد آن‌ها حقوق کیفری را اعمال نمود، لکن این سختی دلیل بر عدم امکان آن نیست، بلکه از آن‌جا که نحوه مجازات منحصر به عوامل بازدارنده موجود نمی‌باشد و بازدارنده‌های دیگری نیز وجود دارد، که می‌تواند قدرت‌های بزرگ را در برابر حقوق خاضع سازد، و امکان مجازات دولت را مهیا نماید. از طرفی نیز اعمال مجازات و انتساب مسؤولیت کیفری دو موضوع متفاوت می‌باشد که لزوماً اعمال انتساب مسؤولیت کیفری، موجب اعمال مجازات نخواهد شد؛ همانگونه که در حقوق کیفری داخلی نیز، ممکن است همه مرتکبان به چنگال عدالت گرفتار نشده و این به معنای عدم مسؤولیت کیفری آنان نیست. ثانیاً، در پاسخ به عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها در خصوص دولت‌ها که بدان پرداخته شد، موافقان ادعا کرده‌اند که در حقوق داخلی نیز با اعمال مجازات یک شخص، وابستگان او نیز به‌طور غیرمستقیم مجازات را متحمل شده و این موضوع مانع ایجاد مسؤولیت و اعمال مجازات نیست و از طرفی چون که در جرایم دولتی عموماً شهروندان یک دولت متحمل ضرر شده‌اند، بنابراین به‌طور قطع آن‌ها نیز از این وضعیت دفاع خواهند کرد. ثالثاً هدف از اجرای کیفر الزاماً اصلاح مجرم نیست و اهداف دیگری از جمله عبرت‌آموزی متصور است که در خصوص دولت‌ها در صحنه بین‌الملل نیز صادق است (عبدالهی، ۱۳۹۶: ۱۲). در پایان باید اذعان نمود که در خصوص راجع به مسؤولیت کیفری دولت در سطح حقوق داخلی سابقه قابل‌ذکری وجود ندارد و نیز مطابق با تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی عمومی و عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند را از اعمال مجازات مستثنی کرده است، لکن در سطح حقوق بین‌الملل می‌توان رگه‌هایی از این مسؤولیت را جستجو کرد.

۳- حکمرانی خوب از منظر شاخص‌های ضروری در بحران

اتخاذ تصمیمات سنجیده جهت کنترل پاندمی کووید-۱۹، دولت‌ها را در سراسر جهان از منظر اطمینان از اثربخشی تصمیمات و پایبندی و تعهد کامل به اصول حکمرانی خوب^۱ با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. آشکار است که رهبری و مدیریت در شرایط حاضر، بیش از هر زمان دیگری ناگزیر تلقی شده و وجود حکمرانی خوب، به مثابه سرمایه‌ای بدیع در این شرایط تلقی می‌شود. رهبری و مدیریت مؤثر، تکلیف بسیار خطیری است و بی‌شک مستلزم تلاش، صداقت، اعتماد، مسؤولیت‌پذیری و درک عمیق از حکمرانی خوب می‌باشد. حکمرانی خوب یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست؛ لذا در هر برهه تاریخی، دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده‌اند، و همیشه چگونگی حکومت کردن، مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده است و رهبران و مسؤولان سیاسی نیز، همواره تلاش کرده‌اند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر جلوه دهند (امامی و شاکری، ۱۳۹۴: ۲۶). تضمین و رعایت حقوق بنیادین شهروندان از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها است و اندیشمندان علوم سیاسی نیز، ایجاد نظم و ثبات، اثربخشی و کارایی را از اهداف نظام سیاسی معرفی کرده‌اند. لکن وجود ناکارآمدی‌های نهادی سیاسی از جمله موضوعاتی بوده است که همواره مطرح بوده است و در زمان‌های مختلف، راهکارهای گوناگونی از جمله دولت حداقلی یا دولت حداکثری پیشنهاد شده است.

در دهه‌های اخیر به جهت برون رفت از این وضعیت، مفهوم حکمرانی خوب مطرح شده است. فارق از تعاریف و شاخصه‌های مختلفی که برای حکمرانی خوب ارائه شده است، کمسیون جامعه اروپا تصریح می‌کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع است که دولت‌مدان، نهادها و سازمان‌ها به حقوق بشر، اصول دموکراسی و قانون‌مندی، احترام

¹ - Good Governance

آسیب‌های ناشی از آن محرز بوده و آشکارا ناقض حقوق اساسی شهروندان در حوزه سلامت می‌باشد.

۴- جلوه‌های بدمدی‌ریتی در پیشگیری و مقابله با پاندمی کووید-۱۹

مطابق با اساسنامه سازمان جهانی بهداشت^۱، برخورداری از بالاترین حد استانداردهای منطقی و قابل حصول سلامت، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، عقاید سیاسی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، حق مسلم هر انسانی است. بر این اساس ارتقاء شاخص‌های سلامت و بهداشت، تأمین امنیت و سلامت شهروندان از اولویتهای دولت‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر حق بهره‌مندی از عالی‌ترین استانداردهای قابل حصول سلامتی، یکی از حقوق بنیادین جوامع بشری می‌باشد (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸). در این راستا در سطح حقوق بین‌الملل، در سال ۱۹۴۸ اعلامیه حقوق بشر، سلامتی را به عنوان بخشی از استاندارد مناسب زندگی تلقی کرده و در بند ۱ ماده ۲۵ آن، مراقبت‌های بهداشتی را در کنار خوراک، پوشاک، مسکن و خدمات اجتماعی ضروری، جزء شرایط حداقلی اقتصادی و اجتماعی برای استاندارد مناسب زندگی و رفاه و سلامتی هر فرد دانسته است. لکن مهم‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ می‌باشد. در ماده ۱۲ میثاق، به موضوع حق بر سلامتی پرداخته و اشعار می‌دارد که: «۱- کشورهای عضو این میثاق حق هر فرد را به بهره‌مندی از عالی‌ترین سطح قابل حصول سلامتی جسمی و روانی به رسمیت می‌شناسند. ۲- اقداماتی که دولت‌های عضو این میثاق باید برای حصول کامل این حق اتخاذ کنند، شامل اقدامات ضروری برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف- تقلیل میزان مرده متولد شدن نوزادان و مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان؛

ب- بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات؛

بگذارند. همچنین می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تعیین کیفیت و چگونگی اداره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف معین شده می‌باشد (Kaufman & Kraay, 2007, 5). دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، سه رکن اصلی حکمرانی خوب تلقی می‌شوند که با یک تعامل دو سویه و متقابل، بسترهای لازم را جهت تحقق حکمرانی خوب فراهم می‌کند. حکمرانی خوب با مؤلفه‌هایی مانند حاکمیت قانون، مشارکت، مسؤولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، عدالت محور، کارایی و اثربخشی، مدیریت، شناسایی می‌شود و پیامدهایی از جمله نگاه واقع‌گرایانه در مورد اداره امور کشور، تقویت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری، اعتماد شهروندان به کارگزاران، تقویت مشروعیت نظام سیاسی، توسعه مردم سالاری و افزایش احترام به حقوق شهروندان و... از بارزترین پیامدهای حکمرانی خوب می‌باشد (گرچی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). در مقابل مواردی همچون فرهنگ استبدادی، بی‌ثباتی، قانون‌گریزی، مشارکت‌گریزی، فردگرایی، بی‌عدالتی، سوءمدیریت و... از موانع حکمرانی خوب تلقی می‌شوند (حشمت زاده و طالبی، ۱۳۹۶: ۱۱).

ظهور پاندمی کووید-۱۹ به عنوان بزرگترین تهدید برای جامعه بشری، تمامی ساحت‌های زندگی آدمی را تحت تأثیر خود قرار داده است که یکی از بارزترین آن‌ها را می‌توان حکمرانی خوب قلمداد کرد. مطالعات انجام شده مبین آن است که پاندمی کووید-۱۹ توانسته است تمامی مؤلفه‌های یک حکمرانی خوب را به شدت تحت تأثیر منفی قرار داده و با توجه به پیوند حکمرانی خوب و دموکراسی، همراه با حکمرانی خوب، دموکراسی نیز دچار بحران شده است. در این راستا سوءمدیریت و یا اقدامات نامشروع دولت‌ها (اعم از تعددی یا قصور آن‌ها) در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه و مقابله‌ای در بحران کووید-۱۹ را می‌توان از جلوه‌هایی از جرایم دولتی قلمداد کرد؛ رفتارهایی به ظاهر قانونی که

¹ - World Health Organization

ج-پیشگیری، معالجه و کنترل بیماری‌های فراگیر، بومی، شغلی و دیگر بیماری‌ها؛

د-ایجاد شرایط مناسب برای تأمین خدمات پزشکی در مواقع ابتلای به بیماری؛»

لذا در سطح حقوق داخلی می‌توان در این باره به برخی از اصول قانون اساسی نیز اشاره کرد. اصولی از جمله؛ بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی که برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت برشمرده است و دولت موظف است همه امکانات خود را جهت نیل به آن به کار گیرد. همچنین در بند ۹ اصل مذکور، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، از دیگر وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده است. لکن اهمیت تأمین سلامت همگانی به حدی است که بر اساس بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی، جهت تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، بهداشت و درمان جزء نیازهای اساسی تلقی شده است و در اصل ۲۹ قانون اساسی به برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی همگانی دانسته شده و دولت را مکلف کرده است تا از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

در پی بحران فراگیر پاندمی کووید-۱۹ در نقاط مختلف جهان، دولت‌های مختلف واکنش‌های متفاوتی نسبت به مقابله با آن از خود نشان داده‌اند. نحوه مدیریت در پیشگیری و مقابله با کووید-۱۹ مسأله‌ای است که دولت‌های جهان را به چالش کشانده است و در هر حال؛ سرعت، برنامه‌ریزی نظام‌مند، قانون‌مندی و شفافیت، از مؤلفه‌هایی است که در

این باره مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است و اقداماتی نظیر عرضه خدمات درمانی مناسب، کمک‌گیری از گروه‌هایی چون داوطلبان محلی و انجمن‌های مردمی، آگاه‌سازی مردم با استفاده از چهره‌های برجسته و پزشکان، ایجاد اعتماد بین دولت و شهروندان، فعال شدن مشارکت عمومی در رعایت بهداشت، ارائه خدمات دیجیتالی، مقابله با اطلاعات نادرست، انتشار خبرهای انرژی بخش برای شهروندان آسیب دیده در ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی و ... ، از بارزترین اقدامات مشترک دولت‌ها قلمداد می‌شود (شفیعی سیف‌آبادی و باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). لکن پاندمی کووید-۱۹ بعد از انکار اولیه آگاهانه بیماری و قدرت آسیب‌زایی آن با وجود هشدار متخصصان، نهایتاً در ایران به صورت رسمی در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد؛ لذا آشکارا نقش دولت در جهت کنترل و مبارزه و تدوین سیاست‌گذاری‌های کلان و مناسب و اجرای درست آن‌ها در راستای حفظ حق سلامت شهروندان، به عنوان یکی از حقوق بنیادین آنان هویدا شد و تشکیل ستاد ملی مبارزه با کرونا، با مصوبه شورای عالی امنیت و تأیید مقام معظم رهبری و به ریاست رئیس‌جمهور وقت، اولین اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران در پی شیوع کووید-۱۹ محسوب می‌شود و این ستاد عهده‌دار تمامی تصمیمات در خصوص اقدامات ضروری درباره پیشگیری و مقابله با این بیماری شد. ذیلاً برخی از رفتارهایی که مبین سوء مدیریتی دولت، در روند پیشگیری و مقابله با کووید-۱۹ که می‌تواند در قالب جرایم دولتی قلمداد شود، معرفی می‌گردد.

جدول نمایه-۱

ردیف	سوء مدیریت‌های دولت ایران در راستای پیشگیری و مقابله با کووید-۱۹
۱	انکار اولیه و قدرت‌کنندگی و آسیب‌زایی ویروس با وجود هشدارهای متخصصان
۲	عدم اقدامات متناسب در مراحل شیوع همه‌گیری
۳	سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در مدیریت بحران کووید-۱۹
۴	عدم وجود وحدت رویه و تناقض‌گویی میان مسئولین اجرایی

عدم تسریع در زیرساخت‌های دولت الکترونیک، قصور در واردات واکسن و تعلل در واکسینه‌سازی عمومی که به موجب ماده ۱ قانون مایه‌کوبی عمومی و اجباری مصوب ۱۳۲۲ که واکسینه‌سازی اجباری در موارد امراض همه‌گیر را از وظایف وزارت بهداشتی تلقی کرده است و...، جمعاً ترک فعل‌هایی قلمداد می‌شوند که مصداق بارز تجاوز به حقوق عامه و محروم ساختن افراد ملت از حقوق مصرح در قانون اساسی می‌باشد. لذا احترام به حقوق و آزادی‌های فردی که مکرر در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی دولت‌ها مورد احترام قرار گرفته است، مصون از تعرض است و به همین دلیل است که قانونگذار ایران در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ موادی را به این امر اختصاص داده است و در فصل دهم از کتاب پنجم، موضوع «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» را مطرح نموده است. ماده ۵۷۰ قانون مذکور در راستای تضمین کیفری عام حقوق و آزادی‌های افراد ملت مقرر دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت از یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال خواهد شد». در این باره آشکار است که عبارت «آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نمایند» در ماده مذکور، در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های افراد به عنوان یک ماده عام و مرجع پیش‌بینی شده است، تا در مواردی که حقوق مقرر افراد ملت در قانون اساسی به صورت خاص مورد تضمین واقع نشده باشد، مشمول ضمانت اجرایی این ماده خواهد بود. لذا در مواردی که هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادهای حکومتی که صلاحیت اعمال و اجرای قانون یا قانون اساسی را داشته و یا به عبارت دیگر حافظ و اجرای حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی

۵	عدم اطلاع رسانی شفاف و پخش برنامه‌های آموزشی جهت آگاهی‌بخشی عمومی
۶	عدم تدابیر جامع در رفع محدودیت‌ها
۷	عدم پایش اطلاعات سلامت افراد
۸	عدم کنترل حمل و نقل هوایی و زمینی
۹	کوتاهی در عرضه خدمات درمانی شایسته و عدم اعمال سیاست‌گذاری‌های مقتضی در این حوزه
۱۰	عدم وجود برنامه‌ریزی سریع، شفاف و هدفمند در تدابیر پیشگیرانه
۱۱	عدم استفاده از قرنطینه‌سازی اولیه
۱۲	قصور در واردات واکسن و تعلل در واکسینه‌سازی عمومی

حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی یا حق بر سلامتی، یکی از حقوق بشری است که در اسناد حقوق بشری و نیز حقوق داخلی دولت‌ها بر اهمیت آن تأکید بسیار شده است و فراهم آوردن دسترسی شهروندان به این مهم، بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است. لذا در عرصه مدیریت و حکمرانی کووید-۱۹ به عنوان خطیرترین تهدید علیه حق سلامت شهروندان، سیاست‌گذاری‌ها باید مبتنی بر اهداف کنترل شیوع بیماری در پهنه سرزمینی، کاهش میزان ابتلاها و مرگ و میر ناشی از آن با اتکاء به تمامی عناصر حکمرانی خوب اتخاذ گردد. لکن چنانچه پیش‌تر بیان گردید، فقدان پایندی و تعهد کامل به اصول حکمرانی خوب در بسیاری از اقدامات ستاد ملی مبارزه با کرونا محرز است و با توجه به این‌که اکنون با گذشت بیش از یک سال از آغاز پاندمی کووید-۱۹ می‌گذرد، بحران سوءمدیریت و ناکارآمدی سیاست‌های اعمال شده در این رهگذر آشکار است. سوءمدیریت‌هایی که لزوماً در قوانین موضوعه بدان تصریح نشده، لکن متضمن آسیب و نقض گسترده حقوق بنیادین شهروندان است.

با آغاز بحران همه‌گیری کووید-۱۹ در ایران، عدم اعمال سیاست‌گذاری‌های مقتضی در راستای پیشگیری و مقابله، تشتت و تناقض‌گویی و عدم هماهنگی مسئولین اجرایی،

باشند، چنانچه برخلاف قانون سبب نقض حقوق افراد گردند، به مجازات مذکور محکوم خواهند شد.

نتیجه‌گیری

جرایم دولتی را می‌توان به مفهوم رفتارهای نامشروع دولت، در جهت نقض یا نادیده گرفتن حقوق اساسی شهروندان دانست. در این بین لازم است که در خصوص جرایم کارکنان دولتی و جرایم دولتی تفکیک قائل شد. وجود نفع شخصی در ارتکاب جرایم کارکنان دولتی بارزترین ویژگی این جرایم است؛ لکن جرایم دولتی صرف ارتکاب رفتاری که متضمن آسیب و نقض حقوق بنیادین افراد گردد، فارق از وجود نفع شخصی قابل تحقق است. لذا امروزه به رسمیت شناختن مفهوم نوظهور جرم دولتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ حقوق بنیادین و کرامت انسانی بشر از جمله حق بر سلامت شهروندان است. حمایت مطلق از این رفتارها به جهت حفظ ارزش‌ها و هنجارها و جلوگیری از هر نوع آسیب مستقیم و غیرمستقیم به شهروندان، ضرورت جرم‌انگاری این رفتارها را ایجاب می‌نماید. لذا چنانچه عمداً یا سهواً نقض ارزش‌ها و هنجارها توسط دولت واقع شود یا دولت مرتکب رفتاری شود که سبب آسیب‌های غیرقابل جبران به تمامیت جسمانی و معنوی شهروندان گردد، جرم دولتی واقع می‌شود و استناد به قانون و اختیارات قانونی، مانع از مسؤلیت به دلیل ارتکاب جرم دولتی نیست. امروزه نقش دولت‌ها به جهت حمایت از حقوق بنیادین شهروندان در ظهور بحران‌های فراگیر آشکار است و ظهور ویروس کووید-۱۹ را می‌توان یکی از مهم‌ترین بحران‌ها دانست. لذا از آن‌جا که دولت متعهد به حفظ حقوق شهروندانی است که به نمایندگی از آن‌ها به حکمرانی می‌پردازد، سیاست‌گذاری‌های کلان و متناسب در حوزه پیشگیری و مقابله با کووید-۱۹ که سلامت جسم و جان شهروندان را به مخاطره انداخته است، باید در رأس سیاست‌ها قرار گیرد؛ لکن عدم اقدامات متناسب در مراحل شیوع

همه‌گیری کووید-۱۹، عدم استفاده از قرنطینه‌سازی و آگاهی بخشی عمومی، عدم تدابیر جامع در رفع محدودیت‌ها و کوتاهی در عرضه خدمات درمانی مناسب به ویژه واکسن کووید-۱۹، از مصادیق بارز سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد دولت در قالب جرایم دولتی در این حوزه است و لذا گزاف‌گویی نیست که مقتولان کووید-۱۹ را از بزه‌دیدگان جرایم دولتی یاد کنیم.

در پایان ذکر این نکته حائز اهمیت است که نقض حقوق اساسی شهروندان به‌طور خاص در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است و نیز می‌توان رگه‌هایی از حمایت عام از تمامی حقوق افراد ملت مقرر در قانون اساسی در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. بخش تعزیرات که نقشی بنیادین در تضمین حقوق مقرر افراد ملت در قانون اساسی دارد را جستجو کرد. در راستای حمایت هرچه بهتر حقوق یاد شده پیشنهاد می‌گردد ماده مذکور بدین نحو مورد بازنگری قرار گیرد: «چنانچه هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی اقدام به تصویب هرگونه قانون مغایر با حقوق ملت و یا به نحوی از انحاء شهروندان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نمایند...». همچنین با توجه به فرامین رهبر معظم انقلاب که وضعیت و طغیان بیماری کووید-۱۹ را مسأله اول و فوری کشور خوانده‌اند و تصریح به تأمین واکسن به هر شکل ممکن، و نیز تأکید در خصوص انجام قاطع وظایف و تصمیم‌ها برای مقابله با کرونا، شایسته است مسؤولان امر در این باره اقدام به سیاست‌گذاری کارآمد نموده و سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه سلامت و حفظ جان شهروندان، در رأس اولویت‌ها قرار گیرد. در این خصوص نیز پیشنهاداتی بدین شرح ارائه می‌شود: ۱- تأسیس کمیسیون عالی واکسن به جهت تبیین سیاست تأمین واکسن مورد تأیید بین‌المللی کووید-۱۹، ۲- استفاده از نظرات علمی و تخصصی کمیته‌های علمی انجمن‌های مربوط در سطح ستاد

ملی کرونا، ۳- حمایت از شرکت‌های دانش بنیان به منظور توسعه و تقویت زیرساخت‌های تولید واکسن داخلی، ۴- تشویق مردم از طریق سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به واکسیناسیون سراسری با استفاده از متخصصان وزارت بهداشت.

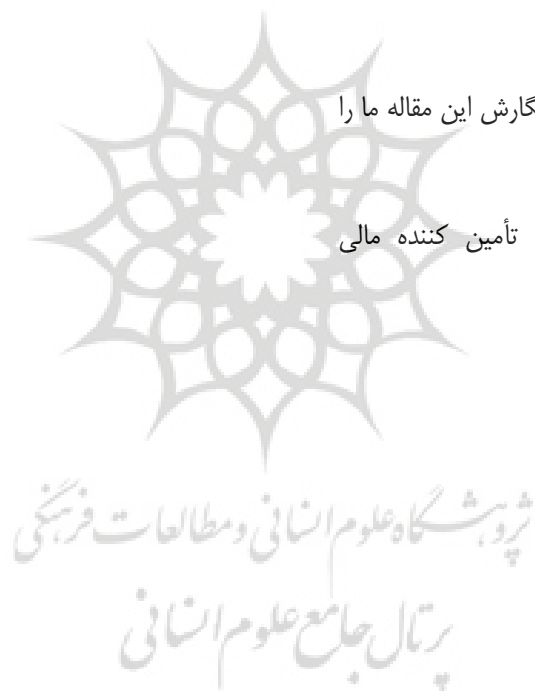
ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای مقاله حاضر، اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تدوین مقاله حاضر، فاقد تعارض منافع بوده است.

سه‌م نویسندگان: نویسندگان مقاله به‌صورت یکسان در تهیه مقاله حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: از کلیه افرادی که در نگارش این مقاله ما را یاری رسانده تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این مقاله فاقد تأمین کننده مالی می‌باشد.



منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- حشمت‌زاده، محمدباقر؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد و طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران». *مجله جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۱): ۱-۲۴.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱). *درآمدی بر علوم جنایی*. تهران: نشر جنگل.
- شفیع‌سیف آبادی، محسن و باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی عملکرد دولت ایران و سنگاپور در مقابله با کرونا و آینده پیش‌روی آنها». *فصلنامه دولت پژوهی*، ۶(۲۲): ۱۷۵-۱۴۱.
- شیری، عباس (۱۳۹۹). «بررسی ابعاد سیاستگذاری جرم دولتی در ایران». *فصلنامه سیاستگذاری عمومی*، ۶(۴): ۲۰۹-۱۹۳.
- عبداللهی، محسن (۱۳۸۲). «چالش‌های مسؤلیت کیفری دولت از منظر کمیون حقوق بین‌الملل». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲(۳): ۸۸-۴۷.
- عبداله‌هی، معاذ (۱۳۹۶). «چالش‌ها و راهکارهای جرم‌انگاری جرایم دولتی». *همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی*، ۲۲-۱.
- عبداله‌هی، معاذ (۱۳۹۷). *تأثیر مدل‌های حکومتی در جرم‌انگاری جرایم دولتی*. به راهنمایی دکتر سید محمود میرخلیلی، تهران: دانشگاه تهران.
- غلامی، حسین و غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۹). «جرم حکومتی، رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی». *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۲): ۵۱۸-۴۹۷.
- ابوالفتحی، محمد و مختار نوری (۱۳۹۱). «جامعه‌گرایان و نقد فردگرایی و بی‌طرفی دولت لیبرال». *دو فصلنامه غرب شناسی بنیادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳(۲): ۱۳-۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. جلد نخست، چاپ شصت و چهارم، تهران: نشر میزان.
- اسپیندی، مارینا (۱۳۸۵). «پیرامون امکان ارتکاب جرم از سوی دولت و مسؤلیت کیفری او». *ترجمه سیدعلی هنجنی، مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۴(۱): ۳۰۹-۲۷۷.
- اسدی جونوشی، محمد و اسدی جونوشی، شفق (۱۴۰۰). «بررسی سیاست تقنینی ایران در حمایت از حقوق شهروندی با تأکید بر حق برابری سلامت». *مجله حقوق پزشکی*، ۱۵(۵۶): ۱۲-۱.
- امامزاده فرد، پرویز (۱۳۹۰). «جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب». *مجله حقوق بشر*، ۶(۱): ۴۴-۳۱.
- امامی، محمد و شاکری، حمید (۱۳۹۴). «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *پژوهشنامه‌ی حقوق تطبیقی*، ۱(۲): ۵۷-۲۵.
- برهانی، محسن و محمدی فرد، بشری (۱۳۹۵). «کمال‌گرایی کیفری». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۳(۲): ۱۷۳-۱۹۴.
- جاوید، احسان و نیاورانی، صابر (۱۳۹۲). «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی*، ۱۵(۱): ۷۰-۴۷.

- محسنی، حسین (۱۳۹۹). «واکاوی تأثیرات پاندمی کرونا بر حکمرانی خوب؛ تجربه‌ای جهانی، جستارهای سیاسی معاصر». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۱(۴): ۳۳۹-۳۵۹.

ب. منابع انگلیسی

- Kaufman, D & Kraay, A (2007). *Governance Indicators, Where Are We, Where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers. Washington DC: World Bank.*

- غلامی، نبی‌اله و عباسی، محمود (۱۳۹۶). «درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی». مجله اخلاق زیستی، ۷(۲۴): ۸۳-۹۷.

- قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۰). «جرم‌شناسی جرایم دولتی، از غفلت جرم‌شناسی تا جرم‌شناسی آینده‌نگر». مجموعه مقالات نکوداشت دکتر حسن دابدان، جلد دوم: تهران: میزان.

- گرچی، محمدرضا (۱۳۹۶). «حکومت‌داری و حکمرانی خوب». فصلنامه چالش‌های جهان، ۳(۳): ۱۵۸-۱۰۹.

- گل خندان، سمیرا (۱۳۹۸). «تحلیل نظری جرایم علیه بشریت در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۵(شماره ۱ (پیاپی ۳۹)) ۱۹۷-۱۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Abdullahi, M (2018). "Challenges and Strategies for Criminality of State Crimes". National Conference on Crime Prevention in the Field of Criminal Law Studies. *Social and disciplinary sciences*, 22-1. (Persian)
- Abdullahi, M (2004). "Challenges of Government Criminal Liability from the Perspective of the International Law Commission". *Journal of Legal Research*, 2 (3): 88-47. (Persian)
- Abdullahi, M (2019). *The Impact of Government Models on the Criminology of State Crimes*. Doctoral dissertation. Tehran: University of Tehran- Department of Law. (Persian)
- Abolfathi, M and Nouri, M (2013). "Socialists and the Critique of Individualism and the Neutrality of the Liberal Government". *Two Quarterly Journal of Fundamental Westernism*, 3 (2): 13-1. (Persian)
- Ardabili, MA (2022). *General Criminal Law*. Volume 1, 34th ed. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)
- Asadi Junoushi, M and Asadi Junoushi, Sh (2021). "Study of Iran's Legislative Policy in Support of Citizenship Rights with Emphasis on the Right to Equal Health". *Journal of Medical Law*, 15 (4): 12-1. (Persian)
- Borhani, M and Mohammadifard, B (2017). "Criminal Perfectionism". *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 3 (2): 173-194. (Persian)
- Emami, M and Shakeri, H (2016). "Good Governance and the Constitution of the Islamic Republic of Iran". *Journal of Comparative Law*, 1 (2): 57-25. (Persian)
- Georgian, MR (2018). "Good Governance". *World Challenges Quarterly*, 3 (3): 158-109.
- Gholami, H and Gholami, N (2021). "Government crime, a new approach in the analysis of social harms". *Journal of Social Studies and Research in Iran*, 9 (2): 518-497. (Persian)
- Gholami, N and Abbasi, M (2018). "An Introduction to the Concept of State Crime from the Perspective of the Principles of Bioethics". *Journal of Bioethics*, 7 (24): 97-83. (Persian)
- Ghorchi Beigi, M (2012). "Criminology of State Crimes, from Neglect of Criminology to Futuristic Criminology". *Collection of Dr. Hassan Dadban's Marriage Articles*, Vol 2, Tehra: Mizan. (Persian)
- Gol Khandan, S (2020). "Theoretical Analysis of Crimes against Humanity in the Light of Criminological Findings". *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*, 15 (1): 197-177. (Persian)
- Heshmatzadeh, MB; Haji Yousefi, AM and Talebi, MA (2018). "Study of Obstacles to the Realization of Good Governance in Iranian Political Culture". *Journal of Contemporary Political Research*, 8 (1): 1-24. (Persian)
- Imamzadeh Fard, P (2012). "The Place and Role of Human Rights in Good Governance". *Journal of Human Rights*, 6 (1): 44-31. (Persian)
- Javid, E and Niavarani, S (2014). "The Realm of the Right to Health in the International Human Rights System". *Journal of Public Law Research*, 15 (1): 70-47. (Persian)
- Kaufman, D & Kraay, A (2007). *Governance Indicators, Where Are We, Where should we be going?* Global Governance Group. Policy Research Working Papers. Washington DC: World Bank

- Mohseni, H (2021). "Analyzing the effects of the Corona pandemic on good governance; Global experience, contemporary political inquiries". *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 11 (4): 359-339. (Persian)
- Shafiee Seifabadi, M and Bagheri Dolatabadi, A (2021) "A Comparative Study of the Performance of the Government of Iran and Singapore in the Confrontation with the Corona and the Future of Their Progress". *Quarterly Journal of Government Studies*, 6 (22): 175-141. (Persian)
- Shiri, A (2021). "Study of the dimensions of state crime policy in Iran". *Public Policy Quarterly*, 6 (4): 209-193. (Persian)
- Spindy, M (2007). "On the Possibility of the Government Committing a Crime and its Criminal Responsibility". Translated by Seyed Ali Hanjani. *Journal of Legal Research*, 44(1): 309-277. (Persian)
- ZeraAt, A (2013). *An Introduction to Criminal Science*. Tehran: Jangal Publishing. (Persian)

